



کسری لیمائی

به بهانه سمینار توجیهی روسا و معاونین
آمار و اطلاعات سازمان برنامه و بودجه استانها
۱۰ تا ۱۲ خرداد ۶۶

بزرگترین ایلهای کوچنده کشور

مجموعه ویژگیهای یاد شده را شامل می-شود.

از عنوان سرشماری (سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده ایران) برمی آید که مرکز آمار ایران برای نخستین بار، در صدد شناسایی و معرفی جامعه عشایری ایران هم از حیث جمعیتی و هم از جهت اقتصادی، اجتماعی است. سرشماری عشایری که مرحله دوم کار خود را در پیش دارد بر پایه یافته‌های مرحله اول پی ریزی شده است. در این جامعه واحد آماری خانواده کوچنده است که در درون کوچکترین رده ساختار عشایری سرشماری می‌شود.

سرشماری عشایر کوچنده گذشته از خصوصیات جمعیتی نظیر سن، سواد، مدرک تحصیلی، و... که مشخصه‌های افراد جامعه است، اطلاعاتی نیز در زمینه تعداد دام خانوار کوچنده بر حسب نوع بهره‌برداری کشاورزی خانوار و... به دست خواهد داد. داده‌های مرحله اول سرشماری عشایر کوچنده که توسط مرکز آمار ایران منتشر شده، نشان می‌دهد که عشایر ایران

دامداران متحرک یا خانوارهای غیر ساکن از آنان یاد می‌شود.

بنابراین بسیاری بر این تصورند که عشایر مردمانی هستند چادر نشین و همواره در حال کوچ و جا به جایی. این باور گرچه بخشی از واقعیت است اما همه آن نیست. پژوهشگران و محققان بنا به هدفی که داشته‌اند از عشایر تعاریف متعدد و متفاوتی ارائه داده‌اند. جامع‌ترین و واقع‌ترین تعریفی که از عشایر می‌توان به دست داد، تعریفی است که این مشخصه‌ها را دربر گیرد:

- داشتن وابستگی ایلی و آگاه بودن از آن.
- گذران متکی به دام
- داشتن قلمرو مشخص و معین در سردسیر (بیلاق) و گرمسیر (قشلاق).
- کوچ (به دنبال مرتع و با تغییر فصل از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر، با بار و بنه، اثاث منزل و سرپناه، قابل حمل، جا به جا شدن).

تعریفی که مرکز آمار ایران برای سرشماری عشایر کوچنده به دست داده،

شاید بهترین سرآغاز بحث پیرامون عشایر کوچنده، خاستگاه تاریخی آن باشد، اما از آنجا که بحثی است پر دامنه فرصت دیگری می‌خواهد، و در حوصله این گزارش نیست.

به اشاره می‌توان گفت که ایران، گرچه تمدنی کشاورزی و یکجا نشینی داشته (مورخان می‌نویسند که ایران: یکی از کهن‌ترین کانونهای زراعت در جهان است... که در چهارمین هزاره قبل از میلاد مسیح واجد سطح عالی زراعت بوده است...) لکن محدودیت‌ها و تنگناهای زیست محیطی این تمدن را به شکل‌هایی از انطباق اکو-لوژیکی جابجا شونده در محیط نیز سوق داده است. عشایر کوچنده به گواه یافته‌های باستانشناسی (گرچه اندک) در ایران سابقه‌ای دیرینه دارند، ولی در پرتو مدنیت آنچنانی از گذشته نه آمار درستی از آنها ارائه شده و نه حتی وجود آنان را به رسمیت می‌شناختند، چندانکه از بیان واژه عشایر نیز پرهیز می‌کردند و با عناوینی چون



عکسها از فرهاد وره‌رام

از روند منطقی و اصولی به اسکان و یکجا نشینی روی آورند، هر چند اسکان عشایر فی‌نفسه در درازمدت امری اجتناب ناپذیر می‌نماید.

دیگر داده‌های مرحله اول، شامل مشخصات بزرگترین طایفه‌های مستقل کس و چنده، بزرگترین ایلهای کوچنده در هر حوزه و... است.

نیز عشایری که بیشترین تعداد دام را نگهداری می‌کنند عبارتند از:

- ۱- قشقایی ۳۶۹۵۳۷۷ راس (گوسفند و بره و بز و بزغاله)
- ۲- بختیاری ۲۴۰۶۵۹۳ راس
- ۳- خسه ۲۳۰۸۵۷۰ راس
- ۴- میوند (میوند) ۱۰۲۵۰۵۶ راس
- ۵- ایلسون (شاهسون) ۸۳۷۷۷۳ راس

کار سرشماری عشایری که در فصل ییلاق عشایرانجام می‌شود، از جهت دسترسی به آنان که اکثراً در نقاط مرتفع چادر برپا می‌دارند، و هم از حیث وسعت کار (تعدد و گونه‌گونی سوال‌ها) با جامعیت طرح سرشماری به‌گروه‌ای است که به کمک همه مردم و دستگاه‌های اجرایی کشور نیازمند است.

با انجام این سرشماری که در نوع خود نخستین سرشماری است داده‌های فراوانی به دست می‌آید که می‌تواند اساس مطالعات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی قرار گیرد. حتا در عرصه زبان‌شناسی لهجه‌ها یا شبه‌زبان رایج در میان عشایر که محققاً در نوع خود خالص‌ترین است پایه‌ای خواهد بود برای پژوهشگران این رشته و برنامه‌ریزان امور فرهنگی و آموزشی.

- ۵- خسه: با تعداد ۱۵۷ کوچکترین رده و ۵۴۵۳ خانوار کوچنده.
- ۶- ایلسون (شاهسون): با تعداد ۱۴۵۱ کوچکترین رده و ۴۵۸۷ خانوار کوچنده.
- ۷- جبال بازری: با تعداد ۶۱۹ کوچکترین رده و ۳۸۹۲ خانوار کوچنده.
- ۸- ممسنی: با تعداد ۷۱ کوچکترین رده و ۳۷۶۵ خانوار کوچنده.
- ۹- بهمنی: با تعداد ۴۳۰ کوچکترین رده و ۳۷۵۴ خانوار کوچنده.
- ۱۰- قره داغ (ارسباران): با تعداد ۹۹۲ کوچکترین رده و ۳۷۲۴ خانوار کوچنده.

هرچند عشایر ایران در مقایسه با خانوارهای ساکن (شهری و روستایی) رقم قابل توجهی را تشکیل نمی‌دهند، لکن از جهت اقتصادی خاصه در زمینه دامداری نقش بسیار پر اهمیتی به عهده دارند. یافته‌های مرحله اول سرشماری نشان می‌دهد که تعداد کل گوسفند و بره که توسط عشایر نگهداری می‌شود (می‌گوئیم نگهداری زیرا الزاماً عشایر مالک همه آنها نیستند)، بالغ بر ۱۳۲۸۱۶۵۲ راس و تعداد بز و بزغاله ۱۰۵۴۸۸۲۹ راس است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که عشایر ایران حدود ۱۶٪ تعداد کل دام کشور را نگهداری می‌کنند. نگهداری چنین رقمی از دام کشور توسط عشایر دست کم یک نکته بدیهی را یکبار دیگر هشدار می‌دهد و آن اینکه باید به مرتع که اتکای اصلی دام عشایر بدان است بیش از پیش توجه شود. اگر این منبع عظیم تعلیف‌دام به‌درستی شناسایی و متناسب با گونه‌های مرتعی سازگار بازسازی نگردد، بیم آن می‌رود که عشایر ای بسا سریعتر

در ۹۲ ایل و ۴۵۴ طایفه گرد آمده‌اند. تعداد کوچکترین رده ساختار عشایری که در بین عشایر نقاط مختلف کشور نامهای متفاوتی مانند هوز، بنکو، مال، و... دارد، ۲۳۵۶۳ رده است. این رده‌ها مجموعاً ۱۸۸۳۵۴ خانوار کوچنده را دربر می‌گیرد که ۷۲۹۶ خانوار در بیلاق و ۹۳۵۶۹ خانوار

* مرکز آمار ایران برای نخستین بار درصد شناسائی و معرفی جامعه عشایری ایران هم از جهت جمعیتی و هم از حیث اقتصادی - اجتماعی برآمده است

در قشلاق از ساختمان جهت سکونت و سرپناه استفاده می‌کنند (ارقام تقریبی بوده و عدد صحیح آن در اجرای سرشماری مرحله دوم معلوم خواهد شد).

برپایه داده‌های مرحله اول بزرگترین ایلهای کوچنده کشور عبارتند از:

- ۱- ایل بختیاری: با تعداد ۵۱۳۰ کوچکترین رده و ۳۴۳۳۳ خانوار کوچنده.
- ۲- قشقایی: با تعداد ۵۹۰ کوچکترین رده و ۱۷۴۴۴ خانوار کوچنده.
- ۳- میوند (میوند): با تعداد ۷۷۷ کوچکترین رده و ۷۱۲۷ خانوار کوچنده.
- ۴- بوییر احمد سفلی: با تعداد ۵۵۱ کوچکترین رده و ۶۱۶۴ خانوار کوچنده.